

مکتوب ششم

ترکیب کلمات

دوست دانشمند: در نامه گذشته یاد آور شدیم که زبان فارسی از حیث خوش آهنگی و خاصیت ترکیب نسبت بسایر زبانهای هند و اروپائی وضعی ممتاز دارد و استعداد ترکیب کلمات در آن به حدیست که میتوان چندین واژه را بهم آمیخت و از آن کلمه‌ای تازه با مفهومی خاص بوجود آورد .

همین امر شعرا و گویندگان و دانشمندان عالیقدر گذشته را قادر ساخت که برای بیان مقاصد خود هزارها لغت از ترکیب کلمات بوجود آورند و بوسعیت دائره لغات فارسی بیفزایند .

راهی که گذشتگان رفته‌اند میتواند برای ما سرمشق آموزنده‌ای باشد ولی باید مواظب باشیم که در اینراه دچار انحراف نشویم و در وضع ترکیبهای لازم از قواعد و اصول دستوری تخطی نوزیم چه در اینصورت نه تنها خدمتی بتوسعه زبان انجام نداده‌ایم بلکه موجب نابسامانی و آشفتگی آن نیز گشته‌ایم .

برای مثال ترکیب نمایانگر را که در این اواخر مصطلح شده و درجرائد زیاد بکار میبرند در نظر میگیریم . این کلمه از نظر دستوری با روش معمول در زبان فارسی مطابقت ندارد چه معمولاً کلمه «گر» که تغییر صورتی از «کار» است ، با آخر اسم عام میپیوندد اعم از اینکه آن اسم ذات باشد یا اسم معنی مانند : قفلگر ، درودگر ، خنیاگر ، دادگر ، آهنگر ، نوحه‌گر ، آشوبگر ، جلوه‌گر ، زرگر ، پیگر ، خوالیگر ، توانگر ، دوانگر و غیره .

با توجه به کلمات فوق درمیابیم که باید جزء مقدم اسم باشد و عموماً این ترکیب برای بیان شغل و حرفه دائم بکار می‌رود .

اما در ترکیب «نمایانگر» جزء مقدم اسم نیست و صفت است و «نمایگری» هم شغل یا حرفه نیست . بنا بر این ساختن چنین ترکیبی هر چند زیبا باشد صحیح نیست و در حکم بدعتی است که اگر تکرار شود زبان را از مجرای طبیعی خود منحرف می‌سازد و نباید ترکیب‌هایی که ساخته می‌شود از این قبیل باشد .

اینک که این مقدمه ذکر شد به بیان اصل مطلب می‌پردازیم :

معمولاً در زبان فارسی کلمات مرکب اگر فعل نباشند از سه صورت اسم ، قید و صفت خارج نیستند .

الف - ترکیبهای عمده اسمی عبارتند از :

اسم مکان و زمان مانند : صبحگاه ، خانگاه . مهمانسرا ، لاله زار ، بامداد ، آتشکده ، سپیده دم ، گلدان ، راه‌آب ، آب انبار و غیره .

اسم آلت مانند : طاسکباب ، چلو صافی ، کفچه ، خودکار ، قلم‌تراش ، خط‌کش ، آبگردان ، سنگپا و غیره .

انواع دیگر اسم مانند : سرآغوش ، چلچراغ ، هزارپا ، شبچراغ ، پیش‌نویس ، چشم‌انداز ، ساختمان ، نیمروز ، پیوند ، خانمان ، خانوار ، شاخسار ، روآید و غیره .

ب- ترکیبهای قیدی مانند : همه‌جانبه ، سراسر ، نابهنگام ، یک در میان ، پا در هوا ، سردرگم ، پیشاپیش ، پی‌درپی ، کج دار و مریز و غیره .

ج- و اما ترکیبهای وصفی صورتهای گوناگون دارد و چون بیشتر از سایر ترکیبها مورد استفاده قرار می‌گیرد لازم است درباره آن باجمال بحث کنیم :

ترکیبهای وصفی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد .

۱- مرکب از کلمه و پسوند یا پیشوند مانند : نابکار ، سلحشور ، هولناک ، بجا ، بی‌جا ، درهم ، با ادب ، گنجور ، دانشور ، شاهوار ، سپید ، بلهوس ، دولتمند ، خداوند ، باهوش ، پریون ، دلگ ، سبزه ، دانا ، آهنگر ، آموزگار و غیره .

۲- مرکب از دو اسم یا بیشتر مانند : سرجوخه ، پیشکار ، همراه ، پابند ، پیشاهنگ ، بسادست ، دندانمزد ، بردست و غیره .

۳- مرکب از اسم و صفت و این نوع ترکیب دارای اقسام زیر است :

الف - ترکیب شده با صفت بیانی مانند : بلندقد ، سست عهد ، کبودجامه ، سیاهروز ، بدفرجام ، زردچهره ، داغدل ، خوش ادا ، نیکو خصال و غیره .

ب - ترکیب از صفت فاعلی یا کلمه‌ای که مفعول یا قید زمان و مکان و حالت باشد .
نوع اول مانند : ذره‌بین ، خرده‌بین ، خودآرا ، ناخن‌پیرا ، دل‌آزار ، دزد آشام چمن‌آرا ، قبله‌نما ، صراحی‌کش ، کارشناس ، خدمتگزار و غیره .

نوع دوم مانند : دیرپای ، زودگذر ، پیش‌نگر ، آخربین ، دوربین ، سحرخیز ، خوشگذران ، شب‌زنده‌دار ، بازار خسب ، کوچه‌گرد ، ولگرد ، تکرو ، سبکخیز و غیره .

در این قبیل ترکیبها غالباً صفت مرخم آورده می‌شود و علت آن رعایت سهولت تلفظ است .

ج - مرکب از صفت مفعولی یا کلمه‌ای که مفعول یا فاعل یا قید زمان و مکان باشد .
نوع اول مانند : کار دیده ، کمر بسته ، زبان بریده ، آبدیده ، دلسوخته ، ستم‌دیده ، دل‌داده ، دلشکسته ، جهان‌دیده ، سرخورده ، دل‌مرده ، سر بسته ، سودا زده و غیره .

نوع دوم مانند : شب مانده، دیر کرد ، ره آورد ، پس افت، فرخزاد، نازپرورده، برآورده .

الا ای برآورده چرخ بلند به پیری چه داری مرا مستمند

در ترکیبهای فوق چنانکه ملاحظه می‌شود صفت مفعولی هم بصورت کامل و هم بصورت مرخم آورده شده و نیز در موارد معدودی صفت مفعولی بصورت صفت فاعلی مرخم در آمده مانند ترکیبهای : زمین گیر ، دستگیر ، دستچین و امثال آن که باید آنها را محصول اشتباه ذهنی دانست و قابل پیروی و تقلید نیست .

از اقسام ترکیبهای فوق چنانکه تذکر دادم ترکیبهای وصفی رایج تر است مخصوصاً که صفت جزء ترکیب بیانی یا فاعلی باشد چه این نوع ترکیب استعداد بیان هرگونه مفهومی را که نشان دهنده یکی از مشخصات مورد نظر واضح لغت شود دارا می‌باشد چنانکه مثلایاره را هواپیما و یا اتومبیل را «خودرو» نامیده‌اند یعنی هر کدام را مفهومی که تشخیص دهنده آنست نامگذاری کرده‌اند و کافی بمقصود نیز می‌باشد: بنابراین فرهنگستان زبان می‌تواند برای آن دسته از لغات و اصطلاحات خارجی که ترجمه آنها بصورت فارسی ضروری باشد از این روش حداکثر استفاده را بکند یعنی آنچه را میخواهد بلغت فارسی در آورد بارزترین صفت مشخصه آنرا در نظر می‌گیرد و با ترکیبی زیبا بیان میکند .

از ترکیبهای وصفی پسونددار یا ترکیبهای صفت مفعولی و بیانی نیز در موارد بسیاری امکان استفاده هست که تشخیص آن موارد بعهده ذوق سلیم واگذار شده و نمونه این نوع ترکیبها که ساخته خود مردم است در زبان ما کم نیست همچون کلماتی از قبیل : موشک ، ماشه ، ماسوره ، ریزباخت ، خوش ریخت ، پیش پرداخت، کم بود، درازمدت ، خوش برخورد و امثال اینها .

البته ترجمه لغات و اصطلاحات خارجی با روشی که در اینجا ذکر شد نمی‌تواند

در همه موارد صادق باشد چه مواردی هم هست که لغت جنبه علمی دارد و باید کاملاً ترجمه شود یعنی لازمست که لغت وضع شده فارسی با لغت خارجی از حیث معنی مطابقت کامل داشته باشد و هر جزء کلمه نشان دهنده معنی جزو مقابل خود در لغت خارجی بوده و مجموعاً نیز بر مجموع معادل خارجی منطبق باشد تا بتواند از نظر علمی مورد قبول واقع گردد.

لغات علمی را که باید بر مبنای ترجمه تحت‌اللفظی فارسی شوند کسانی که اهل علمند مشخص خواهند ساخت بدین معنی که در هر علمی دانشمندان همان علم نظر خواهند داد که چه لغاتی جنبه علمی دارد و چگونه باید آنها را معنی کرد.

با همه این احوال آنچه مسلم است اینک اشتقاق کلمات و ترکیب آنها بایکدیگر باید در هر موردیکه هست بر مبنای صحیح استوار باشد و از حدود قوانین دستور و زبان فارسی تجاوز نکند تا در نتیجه بروست زبان بطریق صحیح افزوده شود و در مورد اصطلاحات علمی و اختراعات که همه روزه افزایش مییابد در تنگنا قرار نگیریم و زبان ما که از جنبه ادبی کامل است از جنبه علمی نیز کمال لازم را کسب کند.

روم شرقی که از طرف آسیای صغیر و سوریه و قفقاز و ارمنستان با ایران همسایه بود یگانه حریف و رقیب بزرگ مملکت ایران بود. این دو دولت بزرگترین دول دنیای تاریخی آن عهد بوده و بدبختانه دائماً با هم در جنگ و جدال بودند و این جنگها هر دو طرف را ضعیف نموده و ناتوان کرد مخصوصاً اوضاع روم از جهت مالیه بسیار مختل گشته بود.

(از پرویز تا چنگیز)